

فقه در مذهب شیعه: ترجمه‌ای نویافته از شرایع الدین، منسوب به امام رضا علیه السلام - حسین متقی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال یازدهم، شماره ۴۲ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۷۵-۱۹۳

فقه در مذهب شیعه: ترجمه‌ای نویافته از شرایع الدین، منسوب به امام رضا علیه السلام

ترجمه: ناشناس (سده ۷-۸)

به کوشش: حسین متقی *

چکیده: این گفتار، ترجمه‌ای است کهن، متعلق به دوره تیموریان، سده ۷ یا ۸ هجری، از رساله شرایع الدین که امام رضا علیه السلام در پاسخ به مأمون بیان فرمود. اصل رساله در منابع حدیثی شیعی آمده و ترجمه به صورت نسخه خطی در کتابخانه ملی انگلستان بوده که برای نخستین بار منتشر می‌شود. **کلیدواژه‌ها:** امام رضا علیه السلام، شرایع الدین، فقه شیعه امامیه، نسخ خطی، کتابخانه ملی انگلستان، تیموریان.

*. پژوهشگر متون کهن، دانشجوی دکتری مطالعات شیعی در دانشگاه ادیان و مذاهب hosseinmottaqi@gmail.com

رساله شرایع الدین

اصل عربی این اثر، که در برخی نسخه‌ها و مصادر با عناوین *أصول الدین*^۱، *شرایع الإسلام*^۲، *شرایع الدین*^۳، *جوامع الشریعة*^۴ و *رساله محض الإسلام*^۵ آمده است؛ رساله مختصری در اصول دین و احکام فقهی بر مبنای فقه شیعه امامیه اثنی عشری مشتمل بر حدود چهارصد حدیث است، که حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام (ش. ۲۰۳هـ در طوس) آن را به درخواست^۶ و در پاسخ به سؤالات خلیفه مأمون عباسی (د. ۲۱۸هـ در طرسوس)^۷، قلم و دواتی خواسته و این متن را نوشتند، یا بنا به نوشته برخی مصادر مأمون، وزیرش فضل بن سهل سرخسی (د. ۲۰۲هـ در سرخس)^۸ را نزد امام رضا علیه السلام فرستاده و امام نیز رساله‌ای را بر فضل املاء کرده است^۹.

بررسی سند روایت و وثاقت اثر

فقیه و محدث کبیر، ابوجعفر محمد بن علی قمی "شیخ صدوق" (د. ۳۸۱هـ در ری)^{۱۱}

۱. نیشابوری کنتوری، اعجازحسین، کشف الحجب و الأستار، صص ۴۹-۵۰؛ تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة، ج ۲، ص ۱۹۱.

۲. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة، ج ۱۳، ص ۵۱.

۳. همان.

۴. ایزانلو، رمضانعلی، گنجینه مخطوطات: پژوهشی پیرامون آثار منسوب به امام رضا علیه السلام، در ماهنامه پژوهشی *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۳۲ (آبان ۱۳۸۷)، ص ۵۲.

۵. سبحانی، جعفر، *أضواء علی عقائد الشیعة الإمامیة وتاریخهم*، ص ۴۹.

۶. نباید این اثر را با کتاب *الشرایع* (رک تهرانی، آقا بزرگ، *الذریعة*، ج ۱۳، ص ۴۶) که علی بن بابویه قمی با خطاب "یا بنی" به فرزندش شیخ صدوق نوشته است، یکی دانست، همچنانکه برخی بزرگان آن را یکی دانسته‌اند (رک روضاتی، محمدعلی، *تکملة الذریعة*، ج ۱، ص ۴۹۸)؛ چرا که به تعبیر مرحوم آقا بزرگ تهرانی (رک *الذریعة*، ج ۱۳، ص ۴۶)، کتاب *الشرایع* ابن بابویه، اثری خلاصه‌گونه از کتاب *فقه الرضا علیه السلام یا به تعبیر مرحوم ثقة الاسلام تبریزی (رک *مرآت الکتب*، ج ۶، ص ۳۰) و برخی دیگر عین خود *فقه الرضا علیه السلام است.**

۷. باید دانست که فضل بن شاذان نیشابوری، اشاره‌ای نکرده که امام رضا علیه السلام آن را به خواهش مأمون تألیف فرموده است.

۸. زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، ج ۴، ص ۱۴۲.

۹. همان، ج ۵، ص ۱۴۹.

۱۰. حرانی، حسن بن علی (ابن شعبه)، *تحف العقول*، صص ۴۳۷-۴۴۵.

۱۱. مدرس تبریزی، محمدعلی، *ریحانة الادب*، ج ۳، صص ۴۳۴-۴۳۹.

این مجموعه روایات را با نقائص، اضافات یا برخی اختلافات در فرازهای آن، با سند روایتی خود در ماه شعبان سال ۳۵۲هـ در نیشابور از شیخ خود، عبدالواحد بن محمد بن عبدوس عطار نیشابوری مشهور به "ابن عبدوس" (د. پیش از ۳۵۲هـ) شنیده و او هم از علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری و همو نیز از فضل بن شاذان نیشابوری (د. ۲۶۰هـ)^۱ روایت کرده و در باب سی و پنجم کتاب *عیون أخبار الرضا* علیه السلام تألیف ارزنده خویش، گنجانده است. البته طبق متن نسخه حاضر و نسخه‌ای از اثر که دست اعجاز حسین نیشابوری کنتوری^۳ بوده، سلسله روایت این اثر، به ترتیب: "أبوعلی بن^۴ محمد بن حسین (الحسن) بن فضل (المفضل)"، از "احمد بن علی بن حاتم"، از پدرش (علی بن حاتم)، از عبدالله حسن (الحسین) بن علی بن ابی‌الفضل (ابی‌المفضل)"، از "شیخ ابوالحسن علی بن حاتم القزوینی"^۵، از "علی بن جعفر شهرستانی"، از "احمد بن حماد" و "فضل بن سنان هاشمی"، از "محمد (بن علی) بن یقطین" و "ابراهیم بن محمد"^۶ محمد^۷ است.

درباره اعتبار حدیث و استناد آن به امام رضا علیه السلام در پایان‌نامه دکترای دکتر مهدی بیات مختاری مطالب مهمی آمده است، که باید بدان رجوع شود.^۷

باید افزود این رساله را سوی شیخ حسین بن محمد بن احمد بن ابراهیم بحرانی

۱. همان، ج ۸، صص ۴۱-۴۲.

۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، صص ۱۲۱-۱۲۲.

۳. نیشابوری کنتوری، اعجاز حسین، *کشف الحجب و الاستار*، صص ۴۹-۵۰ که اختلافات آن با نسخه ما، با علامت () نشان داده شده است.

۴. اعجاز حسین: - بن.

۵. خوئی، ابوالقاسم (آیت‌الله)، *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۲، ص ۲۵۶.

۶. اعجاز حسین: "... عن علی بن جعفر الشهرستانی عن أحمد بن حماد و الفضل بن سنان الهاشمی و محمد بن علی بن یقطین و ابراهیم بن محمد کلهم رووا أن المأمون بعث إلى الامام ...".

۷. بخش‌هایی از این رساله دکتری، ضمن مقاله‌ی دکتر محسن احتشامی‌نیا با عنوان "مروری بر رساله جوامع الشریعة امام رضا علیه السلام و ارزیابی سندی و دلالتی آن" (بنگنید: سفینه شماره ۴۰) نقل شده است. (ویراستار)

عصفوری (د. ۱۲۱۶هـ)^۱ با نام *الانوار الضویة فی شرح الأحادیث الرضویة*^۲ شرح کرده است. بر این شرح تعلیقاتی نیز از سوی حفید شارح، یعنی شیخ خلف بن احمد بن محمد بن حسین عصفوری بحرانی شاخوری درازی (د. پس از ۱۳۳۸هـ)^۳ نوشته شده است. گفتنی است این شرح همراه تعلیقات شیخ خلف، با عنوان *الانوار الوضیة فی العقائد الرضویة* با تصحیح نواده شیخ خلف، یعنی ابواحمد بن احمد بن خلف بن احمد عصفوری بحرانی در سال ۱۴۰۶هـ منتشر گردیده است.

درباره رساله و مترجم آن

متأسفانه از نام مترجم این اثر و زمان دقیق حیات وی اطلاعی در دست نیست؛ اما بر پایه قرائن و شواهد وی بایستی وی از رجال قرون ۸ یا ۷ هجری بوده باشد. البته احتمال ضعیف نیز می‌رود که مترجم این متن، خود کاتب بوده باشد.

این اثر، در ضمن یک مجموعه بسیار نفیس و هنری، مشتمل بر ۲۳ رساله ارزنده، به زبان فارسی آمده است؛ این نسخه خطی گرانبها، به نام جلال‌الدین اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور لنگ (حکومت: ۸۱۲-۸۱۷ محدوده فارس و سجستان)^۴ بین سال‌های ۸۱۳-۸۱۴ هـ و به قلم ناصر الکاتب، استنساخ گردیده است. اثر به لحاظ متنی، خالی از اغلاط و اضطرابات نیست و دور نیست نسخه‌ای که کاتب در دست داشته، اندکی سقیم و ناخوانا بوده است.

این دستنویس نفیس - که چارلز ریو، بیش از یکصد سال پیش توصیفی تفصیلی از آن نسخه بدست داده است^۵ - افزون بر تذهیبات متعدّد سبک تیموری برگ‌های نخستین

۱. مدرس تبریزی، محمدعلی، *ریحانة الادب*، ج ۴، ص ۱۴۲.

۲. تهرانی، آقا بزرگ، *النذریة*، ج ۲، ص ۴۳۱ و ج ۱۳، ص ۵۱.

۳. همو، *طبقات اعلام الشیعة* (القرن ۱۴هـ)، ج ۲، ص ۷۰۱.

۴. زامباور، معجم الأنساب و الأسرات الحاكمة فی تاریخ الإسلامی، ص ۴۰۲.

۵. Rieu, Ch. *Catalogue of Persian manuscripts in British museum*, Vol. II, pp. 868-71.

نخستین و میانی اثر، دارای ۴۲ مینیاتور (نگاره) نفیس نیز متعلق به مکتب تیموری (نیمه نخست سده ۹هـ) است. این نسخه ارزشمند، اکنون به شماره "Add.27261" در ضمن مجموعه "موزه بریتانیا"^۱ در کتابخانه ملی انگلستان^۲ در شهر لندن نگهداری می‌گردد.

باید افزود آثار منظوم و مثنوی درون این مجموعه نفیس به ترتیب عبارتند از: "خمسه نظامی، الهی نامه عطار، منطق الطیر عطار، جنگ شعری از سید شاعر، نظام التواریخ، بخشی از شاهنامه فردوسی، قصائد در مدح پیامبر ﷺ و امامان ائمه، تحفة الغرائب، مفاتیح الکلام فی مدایح الکرام، غزلیات، مدخل منظوم، مختصر در علم هیئت، مختصر در علم اقلیدس، رساله کبریت احمر، خفی علائی، فقه در مذهب شیعه (ترجمه حاضر مندرج در برگ‌های ۴۳۵ ب- ۳۴۸ الف مجموعه)، فقه ابی حنیفه، معرفت تقویم و اسطرلاب، روضة المنجمین، فرس‌نامه، رساله در کیمیا از غیاث کرمانی، جام‌جم، سعادت نامه".

چند نکته ضروری

۱. برخی عبارت مترجم یا ناسخ، در مواردی بسیار مضطرب و نارسا و نامفهوم است و نسبت به متن عربی اثر (شرایع الدین موجود)، که نسخ فراوان آن (نوعاً به روایت شیخ صدوق) در دسترس می‌باشد، نسبت به برخی بخش‌ها نواقص و نسبت به برخی فرازها، اضافاتی دارد، دور نیست مترجم یا کاتب، به جهت تقیه یا دلایل دیگر، از ترجمه یا نقل بخش‌هایی از متن عربی آن ظفره رفته باشد، هر چند که بودن عباراتی در تصریح به خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام این تقیه ظاهراً موردی ندارد! البته نباید این احتمال را هم از نظر دور داشت که نسخه‌ای که از متن عربی **شرایع الدین** در دست مترجم بوده، یا حقیقتاً ناقص بوده، یا همانطور که اشاره گردید، به جهت تقیه یا دلایل

1. British museum.
2. British Library (BL).

دیگری، بخش‌هایی از آن عمداً در ترجمه ساقط شده، یا حتی ممکن است اصل عربی متن فارسی ما، نسبت به نسخ مشهور آن، به لحاظ متنی به گونه دیگری بوده است، و طبیعتاً بررسی صحت و سقم و کمیّت و کیفیّت این امور انتزاعی، نیازمند مقال و مجال دیگری است.

۲. برای اینکه خواننده این متن، بهره کافی و کامل را از احادیث منسوب به حضرت علیه السلام ببرد، بخش‌های ناقص نسبت به متن عربی که متن را نارسا می‌نمود، در موارد نادری، با استفاده از متن *ترجمه رساله شرایع الدین مندرج در عیون أخبار الرضا علیه السلام*، به قلم مرحوم علی‌اکبر غفاری (د. ۱۳۸۳ش در تهران)، همچنین تکمله‌های ضروری مصحح، با علامت [] درج شده شده است؛ ضمناً هنگام ناخوان بودن متن به جای کلمه سه نقطه "... نهاده‌ایم.

۳. در ترجمه حاضر، به جهت رعایت امانت، دعاهایی نظیر "اللهم" برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانند ادبیات اهل تسنن عمل شده که گویا به جهت رعایت تقیه بوده است، اما جاهایی که اسامی ائمه اطهار علیهم السلام، بدون ذکر دعایی در متن ترجمه آمده است، دعای متناسب با آن امام همام، مانند کلیشه اللهم از سوی مصحح متن، در متن ترجمه، درج شده است.

۴. ادبیات بکار رفته در این متن اثر و نیز برخی ترکیبات فارسی این اثر، همچون: "سجود دراز گردانیدندی و شب زنده داشتندی و نیکوئی صحبت و همسایگی رعایت کردند و ردّ سلام بر وجه احسن دادندی و بدین هیچ کس نکردندی و مال و زر و نیکوخوائی از مسلمانان دریغ نداشتندی" از قدمت متن با محتمل بودن زمان ترجمه بین قرون ششم تا هشتم هجری حکایت دارد، لذا به نظر می‌رسد متن فارسی این ترجمه، از نقطه نظر زبان‌شناختی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده باشد.

۵. در این نوشتار، به جهت رعایت نکات زبان‌شناختی اثر، از سبک کتابت و نگارش اثر، صیانت گردیده است و جز موارد نادر در نوع قلم کاتب و مترجم دست برده نشده

است، البته همچنانکه برخی اساتید اشاره نموده‌اند، به نظر نمی‌رسد تغییر حروفی نظیر "ج" به "چ" یا "ک" به "گ" یا "ه" به "ت" چندان ضروری به ساختار زبان و کتابت متن برساند، اما با این حال، سعی گردید، بجهت صیانت و رعایت امانت، همین تغییرات جزئی نیز در متن اعمال نگردد و الله ولی التوفیق.

فقه در مذهب شیعه

بسم الله الرحمن الرحيم، و به نستعين، الحمد لله رب العالمين و صلوته علي خير خلقه محمد و آله أجمعين؛ اما بعد این کلمه چند است در شرح کلمات مرتضوی امام ابن الامام علی بن موسی الرضی علیه السلام مشتمل است بر ترجمه الفاظ دربار آن حضرت و بر بعضی از دقایق که اتمام شرح آن بود و بسط و تحقیق سخن بآن شود و این اوان شروع است در مقصود بعنایت خدای تعالی؛ پس بدانکه، روایت می‌کند ابوعلی بن محمد بن حسین (الحسن) بن فضل (المفضل) از احمد بن علی بن حاتم و او روایت می‌کند از پدر خود و پدر او روایت می‌کند از ابو عبدالله حسن (الحسین) بن علی بن ابی‌الفضل (ابی‌المفضل) و او روایت می‌کند از شیخ ابوالحسن علی بن حاتم القزوینی و او روایت می‌کند از علی بن جعفر شهرستانی^۱ و او روایت می‌کند از احمد بن حماد و فضل بن سنان هاشمی و او روایت می‌کند از محمد (بن علی) بن یقطين^۲ "محمد (بن علی) بن یقطين" و "ابراهیم بن محمد"^۳ و این ثقات روایت می‌کنند که مأمون خلیفه، فضل ابن سهل [را] پیش امام علی ابن موسی الرضی علیه السلام فرستاد و گفت چون تویی آیت خدای بر خلق و بحر علم و معدن علم و مفترض الطاعه، می‌خواهم که اصل دین را از برای من جمع کنی و ثبت فوائد از بیان توحید و حلال و حرام و فرایض و سنن؛ چون امام علیه السلام اجابت

۱. در نسخه شهریزائی است.

۲. در نسخه "مقطين" است.

۳. اعجاز حسین: "... عن علي بن جعفر الشهرستاني عن أحمد بن حماد و الفضل بن سنان الهاشمی و محمد بن علی بن یقطين و ابراهیم بن محمد...".

را بمقام استماع فرمود، دوات و کاغذ طلب کرد و چنین نوشت که:

[باب التوحید]

- اولین چیزی که بر تو فریضه است آنست که بیقین بدانی و بدل و زبان گواهی دهی که خدایی هست و یکیست و روشن‌ترین دلیل بر وجود او آنست که در حال اضطرار همچنانکه در ثبت او مبتلا باشی امواج بحر محیط کلّ موج کالخیال و از بالا و زیر وحشت و ظلمت فرو گرفته باشد (وَمَنْ يَعْصِمِ بِاللّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)^۱ درین زمان بی‌اختیار دل و جان غافل و فارغ از هر دو جهان متوجّه یک ذاتی و بتضرّع و زاری خلاص و نجات می‌خواهی آن ذات حقّست و اوست که خالق خلق است و از همین جا بر روشن‌دلان دلیل توحید ظاهر گردد که یک، همی می‌خوانی، دو نباشد.

- و اعتقاد کنی که ذات حق متّصف است بجمیع صفات...^۲ امکان که در نفس خود ممکن است آن ذات را حاصل است و منزّه است از شوایب نقصان که ناقص، خدایی را نشاید، بلکه اوست عین کمال و باقی ناقصانند، مستکمل بآن کمال.

[باب نبوت]

- و بعد از آن اعتقاد کنی که محمد ﷺ بنده و پیغامبر اوست حقّاً و فاضل‌ترین انبیا و مرسلین ﷺ است و محبوب خدای ربّ العالمین است هیچ پیغمبری به رسالت بعد از او نباشد و ملّت و شریعت او تغییر و تبدیل نه پذیرد.

- سؤال: اگر کوی که می‌گویند ابرهیم خلیل رحمن ﷺ است و کتاب‌الله باین ناطقست که (وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا)^۳ می‌گویند که محمد ﷺ حبیب یزدانست این در کدام آیت از آیات قرآن است؟

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

۲. یک کلمه خوانده نشد، شاید "مالایعی" خوانده شود، اما در متن مذکور این عبارت، چندان مفهوم روشنی ندارد.

۳. سوره نساء، آیه ۱۲۵.

- جواب: گویم که این معنی درین آیتست که (إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ)^۱ حضرت حق می‌فرماید که ای محمد ﷺ بکوی با امت که اگر می‌خواهی که محبوب خدای باشی متابعت و پیروی من کن تا محبوب خدای گردید، چون متابعت از مرتبه محبوبی حاصل گردد بطریق اوئی کروند محبوب او باشد و این جواب از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست و پوشیده نیست که در غایت لطافت و نهایت نفاست^۲ است.

- و همچنین اعتقاد کنی که جمیع پیغمبران سابق بر حقّند و پیغمبران علیهم السلام سه طایفه‌اند: اولی‌العزم و رسل انبیا اولی‌العزم افضل‌اند؛ بعد از آن رسل، بعد از آن انبیاء علیهم السلام، اگر چه در صحّت نبوت فرقی نباشد میان ایشان.

- و اعتقاد کنی بآنکه قرآن حقّ است از فاتحه تا خاتمه و نتواند که سخن غیر خدا باشد، علماء کامل را این مرتبه حاصل است که همچنانکه ترا شکی نتواند بود در وجود روز و روشن ایشان را شکی نباشد و آنکه این سخن از بشر نتواند بود و بتشکیک هیچ مشککی اعتقاد^۳ ایشان نگذرد و مر چند آیات قرآنی که بر مقتضای "خیر الکتاب کتاب الله و خیر الهدی هدی رسول الله"^۴ پیش خوانند، ایمان ایشان زیاده گردد، لکن عوام را درین باب تقلید باشد و از شنوده کویند که این کتاب خداست و توضیح فرق میان تحقیق و تقلید درین مثال برین سؤال بود که یکی علی‌الدوام غسل می‌خورد و از حلاوتش بهره‌مند می‌گردد و دیگری مدة العمر غسل نچشیده و از حلاوت آن بکام جانش نرسیده، اگر هزار بار بگوید که غسل شیرین است، ذوقی چندان ندارد.

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۲. این کلمه به وضوح "نفاست" نیست.

۳. کلمه "اعتقاد" تکرار شده است.

۴. در منابع اسلامی و شیعی دقیقاً با این عبارات حدیثی به نظر راقم نرسید، اما با همین مضامین احادیثی همچون: "إِنْ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَ خَيْرَ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ ﷺ وَ شَرَّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا" به نقل از خود پیامبر صلی الله علیه و آله نقل گردیده است (رک: *امالی طوسی*، ص ۳۳۷ و

بحار الأنوار علامه مجلسی، ج ۷۴، ص ۱۲۲).

[باب امامت]

- و اعتقاد کنی که بعد از رسول خدای صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امام بر حق و مفتی مطلق، ضرغام غالب علی ابن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام است که [در] علم و تقوی و شجاعت و سخاوت نزدیکی نداشت؛ اوست وصی و ولی بر حق و اوست که در نزدیکی با محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همچو هارون است با موسی عَلَيْهِ السَّلَام^۱ و شکی نیست که در غیبت موسی غیر هارون کسی خلافت نکردی، چون علی عَلَيْهِ السَّلَام هارون محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، غیر او را خلافت نشاید و بعد از علی عَلَيْهِ السَّلَام خلافت از آن حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام است و بعد از آن علی ابن حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام است و بعد از آن محمد ابن علی عَلَيْهِمَا السَّلَام است و بعد از آن جعفر ابن محمد عَلَيْهِمَا السَّلَام است و بعد از آن موسی ابن جعفر عَلَيْهِمَا السَّلَام [است]؛ این جماعت ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعلم و اصول و اولی کلتست، بعد از آن این ائمه اند، اعلم و اعدل و اولی ایشانند، عروه و تقی هر که چنک در دامن ایشان زند از خاکِ مذلت بر عرش عزت بی‌زوال نشست که ایشانند مفسران قرآن مجید و دانایان احادیث رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ هر که با ایشان مخالفت کرد، ضال و مضل و تارک حق و هدی است؛ هر که مُرد و قومی بایشان نداشت و اسامی ایشان ندانست ...^۲ ایشان نکرد، همچون سگ مردار بمرد و طریق ایشان دیانت و ورع و علم و صلاح و اجتهاد و ادای امانت بودی بصلاح و فاسق و سجود را دراز کردانیدندی و شب زنده داشتندی و نیکوئی صحبت و همسایگی رعایت کردندی و رد سلام بر وجه احسن دادندی و بدین هیچ کس نکردندی و مال و زر و نیکوخوانی از مسلمانان دریغ نداشتندی، اینست اعتقادات.

۱. أنت منی بمنزلة هارون من موسی إلا أنه لا نبي بعدی (رکد صحیح البخاری، حدیث ۳۵۰۳؛ صحیح مسلم، حدیث ۲۴۰۴؛ سنن الترمذی، حدیث‌های ۳۷۲۴، ۳۷۳۰، ۳۷۳۱؛ سنن ابن ماجه، حدیث‌های ۱۲۰ و ۱۲۶؛ مسند احمد ابن حنبل، ۱۷۹/۱ و ۳۳۸/۳؛ حلیة الاولیاء، ۱۹۵/۷؛ تاریخ بغداد، ۳۲۴/۱، ۲۰۴/۴، ۲۹۲/۹ و کنز العمال، ۱۱۵۵/۱۲ به بعد).

۲. دو کلمه از متن پاک شده ناخواناست.

- و اما اعمال؛ پس اول همه، نمازست که دوم ایمان است، نظم:

روز محشر که جان کداز بود اولین پرسش از نماز بود^۱

و شرط نماز، طهارتست؛ امام علیه السلام می فرماید که طهارت بر آن وجه که خدای تعالی بآن امر کرده است در کتاب مجید خود شستن روی و هر دو دست است و مسح کردن سر و هر دو پاست، یکبار یا دو بار و ازین زیادت نشاید و بر آن اجری نباشد و طهارت باطل نکردد الا به بیرون آمدن باد و بول و غایط و بخواب رفتن و جنابت؛ و مسح بر موزه نکشد که به آن نماز نشاید کرد؛ در روایت آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام مخالفت کرد با صحابه در مسح بر موزه، پس عمر گفت که من دیدم حضرت رسالت صلی الله علیه و آله را که مسح بر موزه کرد، علی علیه السلام گفت که پیش از فرود آمدن سوره مائده بود یا بعد از آن حرکت که...^۲ من دانم، علی علیه السلام فرمود که من می دانم بعد از نزول سوره مائده رسول صلی الله علیه و آله مسح کرد بر موزه؛ و غسل واجب گردد به جنابت و احتلام و حیض؛ و غسل مرده فرض کفایتست و غسل در روز جمعه و هر دو عید از برای دخول مکه و مدینه و غسل زیارت و احرام و از برای عرفه و اول روز رمضان و شب بیست و نهم و بیست و یکم و بیست سیوم سنت است؛ و نمازهای فریضه چهار رکعت پیشین است و چهار پسین و سه شام و چهار خفتن و دو بامداد، پس مجموع هفده رکعت باشد؛ و نمازهای سنت سی و پنج رکعت است، هشت رکعت پیش از فرض پیشین و هشت رکعت پیش از فرض پسین و چهار رکعت بعد از شام به هر دو رکعت نشسته گزارد بعد از نماز خفتن و هشت رکعت در سحر گزارد و بعد از آن وتر گزارد سه رکعت، در رکعت دوم سلام بدهد و بعد از آن اتمام رکعتی دیگر کند و بعد از وتر

۱. گویا این شعر از سعدی بوده باشد.

۲. متن گفتگو اندکی نارساست و احتمال می رود مترجم در ترجمه فارسی یا یا کاتب در کتابت نسخه، سطرری را انداخته باشد.

پیش از اذان بامداد دو رکعت بگزارد.

- و بدانکه نماز در اوّل وقت گزاردن افضل است و فضل نمازی که به جماعت گزارند بر نمازی که مفرد گزارند، بهر رکعتی ثواب دو هزار رکعت؛ و نماز مگزار در عقب فاسدان و اقتدا مکن الا باهل ولایت یعنی محبّان خاندان [عصمت و طهارت علیهم السلام]، و جانوری که مرده باشد، در پوست او نماز مگزار، و همچنین در پوست سباع همچون سگ و گرگ و شیر نماز مکن و هر گاه که قصد مسافرتی داری که آمدن و رفتن هشت فرسخ می شود، نماز را قصر کن و چون قصر کردی روزه را نیز افطار کن و هر که قصر نکند نمازش ناروا بود، زیرا که بر حدّ فرض زیادت کرده است و همچنانست که پادشاهی بر شخصی انعام کرد و او آن انعام را بر روی پادشاه رد کرد، بس جایز نباشد به هیچ وجه.

- و قنوت در چهار نماز باشد، نماز بامداد و شام و خفتن و نماز جمعه و در همه قنوت بعد از قرائت و پیش از رکوع بود و نماز جنازه پنج تکبیر است، هر که ازین کم کند مخالف سنّت کرده باشد، و در نماز جنازه سلام نباشد، زیرا که سلام در نمازیست که با رکوع و سجود بود و در نماز جنازه رکوع و سجود نیست، و مرده را هر قید از پای درآورند و مرّبع گردانند قبر را نه تسنیم، و بسم الله را با فاتحه بلند باید گفت در صلوات جهریّه.

باب زکوة

از هر دویست درهم، پنج درهم زکوة باشد و ادای آن فرض است و در کمتر ازین چیزی فرض نگردد؛ بعد از آن بر چهل درهم که زیادت کردد درهمی واجب شود؛ و زکوت را ندهند الا بعد از گذشتن سال بر مال؛ و مصرف زکوة نباشد الا کسی که از اهل ولایت باشد، یعنی از محبّان خاندان [عصمت و طهارت علیهم السلام] باشد؛ و واجبست اداء خمس، یعنی پنج یک جمیع مال بدهد و این یکبار بیش نباشد؛ و [در زکوة] کندم

و جو و مویز و خرما و هر چه از زمین می‌روید از حبوبات چون به [پنج] وسق برسد ده یک واجب گردد، وقتی که آب رود خورده باشد و اگر به دلو آب داده باشند نیمه آن واجبست بر درویش و توانگر و وسق شصت صاع است و صاع چهار مد است و مدی دورطل است در معنی برطل عراقی.

- و زکوة فطر فرض است و هر سری خرد و بزرگ و آزاد و بنده [از زن و مرد] از کدم یک صاع و از مویز یک صاع؛ و ندهندش الا باهل ولایت همچنانکه گفتیم پیش ازین.

- و حیض اقل مدّتش سه شبانه روز بوده و اگر شش ده شبانه روز و هر چه از سه شبانه روز کمتر بود یا از ده شبانه روز زیادت از آن حیض نیست، بلکه استحاضه است؛ و حیاض ترک نماز کند و روزه، لکن روزه را قضا کند و نماز را نکند.

باب صیام

روزه ماه مبارک رمضان بدارند چون ماه به بینند و روزه باید داشت در هر ماهی سه روز، چهارشنبه میان، دو پنجشنبه، پنج شنبه ده [ه] اولی، و چهارشنبه ده [ه] میانه و پنجشنبه ده [ه] آخر، و روزه داشتن ماه شعبان سنّت است؛ و قضای رمضان متفرّق توان داشت و روزه رجب نیز سنّت است و در آن برکت است.

باب حجّ

بدان که حج واجب است بر کسی که استطاعت آن دارد، قال الله تعالی: (وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ) ^۱، استطاعت بآن باشد که راه امن باشد و زاد و راحله باشد، از هنگام رفتن تا بازگشتن؛ و حجّ جایز نیست الا بتمتع و تمتع آنست که جمع کنی بسان حجّ و عمره و قال الله تعالی: (الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلّٰهِ) ^۲ و جایز نباشد در کوسبند ^۱ که

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۶؛ در متن به اشتباه به صورت "و لله الحجّ و العمرة" ثبت شده است.

خسیتین او را قطع کرده باشند، لکن جایز است اگر کوفته باشند نه بریده.

[باب جهاد]

- و جهاد واجبست با امام عادل و هر که جهت مال خود کشته شود، شهید است و همچنین هر که کشته شود از برای اهل خود شهید است و نشاید کشتن کفار و نصاری در دار امان، مگر که قتل کرده باشد یکی را، یا نفی نموده باشد و جایز نیست تصرف در اموال مخالفان و غیر ایشان و تقیّه در دار تقیه واجبست و اگر کسی سوگند بخورد از برای تقیّت یا بآن دفع ظلم بکند از آن حث نباشد.

[باب طلاق]

- و طلاق نباشد بغیر سنّت بر آن وجه که خدای جلّ جلاله در کتاب خود ذکر فرموده است و و بیش از چهار زن آزاد در نکاح نتوان داشت و چون زنی سه طلاق دادند، حلال نکردد الا بعد از آن که دیگری او را نکاح کند، قال الله تعالی: (فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ) ۲.

[باب درود فرستادن بر پیامبر ﷺ]

- و درود فرستادن بر رسول علیه الصلوة و السلام واجبست از همه ... ۳؛ چون عطسه کند صلوات خوش بفرستد و چون بویهای خوش بوید صلوات بفرستد و غیر آن.

[باب تولی و تبری]

- و دوست دارد دوستان خدا را و دوست دار[د] آن خاندان [عصمت و طهارت علیهم السلام] را و دشمن نباشد؛ با دشمنان خدای و دشمنان خاندان [عصمت و طهارت علیهم السلام] بیزاری نماید از ایشان.

۱. در نسخه به صورت "سنگ خفتن" ثبت شده است.

۲. سوره بقره، آیه ۲۳۰؛ در متن به اشتباه به صورت "و لایحلّ لکم نساؤکم من بعد ما طلقتموهن" ثبت شده است.

۳. یک کلمه خواند نشد.

[باب تکریم والدین]

- و نیکویی کند با مادر و پدر و اگر ایشان او را بر کفر دارند، فرمان برداری نکند،^۱ لکن مصاحبت نماید با ایشان در دنیا بر وجه احسن؛ قال امیرالمؤمنین و ولیّ المسلمین علی ابن ابی طالب علیه السلام: "من أطاع مخلوقاً من غیر طاعة الله فقد اتخذ إلهاً من دون الله" یعنی "هر که فرمان مخلوقی برد در فعلی که خلاف طاعة خدای باشد، پس بدرستی که او خدایی گرفته است بغیر حقّ جلّ جلاله".

[باب تذکيه و ...]

- و هر گاه که گوسفند ماده را کشتی و در اندرون او بچه است، کشتن مادر، کشتن مادر کشتن آن بچه است [و] احتیاج بکشتن بچه علی حدّه نباشد؛ و انبیا را صغایر ذبوب باشد و بایشان بخشد بواسطه نبوت و در ...^۲؛ حلال است متعه زنان و متعه حجّ و این هر دو متعه باش در یک مرتبه از جهت حلال؛ و در فرایض عدل نباشد و میراث نبود با مادر و پدر الا شوهر با زن ذوالسهم احقّ است از آن کس که او ذوسهم نیست و تعصّب^۳ در دین نباشد؛ و عقیقه باید کرد از فرزند، خواه پسر خواه دختر در روز هفتم، و سرش را بتراشند و مویش را وزن کنند با زر یا نقره آنچه دست دهد، آن را صدقه کنند، قال الله تعالی: (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا)^۴.

۱. در نسخه 'بکند' ثبت شده است.

۲. جای یک کلمه در متن پاک شده است.

۳. عول و تعصیب (عصبه) از اختصاصات فقه اهل سنت است.

۴. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

[باب جبر و تفویض]

- و افعال بندکان، مخلوق ایشانست، اما خلق تقدیر، نه خلق تکوین و در دین جبر^۱ نیست، یعنی آنکه کوئیم که بنده را هیچ اختیار نیست و تفویض نیز نیست، یعنی آنکه کوید که همه افعال، مخلوق ایشانست مطلقاً؛ زین العابدین بن حسین علیه السلام می فرماید که: "لا یصدر عن المخلوق فعل الا بأمر الله" و از اینجاست که گفته اند کج دار و مریز؛ و بی گناه را بگناه مجرمان نکیرند^۲ و حق جلّ جلاله عذاب نکند اطفال را بگناه مادر و پدر، قال الله تعالی: (أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَ أَلَّا لَیْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ)^۳ و خدای مغفرت کند و ظلم نکند و خدای تعالی فرض نکردند بر بندگان طاعت کسی را که می داند که بریشان ظلم خواهد و ایشانرا تعدیب خواهد نکرد و خدای نگیرد^۴ کسی را از برای رسالت که داند که او کافر خواهد بود و شیطان را خواهد پرستید؛ و اسلام غیر ایمان است و در مؤمنی مسلم است، اما هر مسلم لازم نیست که مؤمن باشد و دزد در آن زمان که دزدی می کند، ایمان ندارد و همچنین کسی که فعل ناقص می کند، در آن زمان ایمان ندارد و همچنین هر که شرب خمر می کند، در آن زمان ایمان ندارد و اصحاب اخذود نه کافرند نه مؤمن؛ و مؤمنان بعد از دخول بجنّت بیرون نه آیند؛ و شفاعت انبیا و صلحا حق است از برای زیردستان.

[باب نماز عید فطر]

- و تکبیر در عید فطر در پنج نمازست، ابتدا کند از نماز شام شب فطر و تکبیر در عید اضحی در دو نمازست، ابتدا کند از نماز پیشین روز نحر؛ و زنی را که نفاس باشد

۱. این کلمه به صورت "غیر" ثبت شده است.

۲. در نسخه "بگیرند" ثبت شده است.

۳. سوره نجم، آیه ۳۸-۳۹.

۴. در نسخه "تکوینند" ثبت شده است.

بیش از بیست روز^۱ نه نشیند.

[باب معاد و حبّ اهل بیت علیهم السلام]

- و ایمان داریم بعذاب قبر و منکر و نکیر و بعث بعد از موت و حساب و میزان و صراط و ایمان درست نبود مگر بر بیزاری از اصنام و از آن کسانی که ظلم کردند بر آل محمد علیهم السلام و میراث ایشانرا گرفتند و غضب کردند خمس ایشان را و فدک را از فاطمه زهرا علیها السلام منع کردند و به بیزاری از معویه علیه ما یتحق و از عمر بن العاص و اتباع ایشان آن کسانی که حرب کردند با امام بر حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام و کشتند مهاجران و انصار را و اهل فضل را از تابعان؛ و بدان که ولایت و پادشاهی از آن محبان و بیعت داران امیرالمؤمنین و امام‌المتقین علی ابن ابی طالب هست کسانی که همچو مقداد و عمر [و بن حمق] و سلیمان ابن اسلم و جندب ابن جنادة و عمار ابن یاسر و سهل بن حنیف و حذیفة بن الیمان و ابوالهیثم بن السهان و خالد بن السعید و قتادة ابن الصامت و ابویوب الانصاری، دوست دار امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام اند.

[باب مناهی و محارم]

- و خمر را حرام باید داشت اندک و بسیار، و هر مسکر حرام است و هر چه حرام است اندک و بسیار او حرام است و هر جانور که ناب دارد یعنی دندان پیش، حرام است و هر مرغ که منخلب دارد حرام است و طحال حرام است، زیرا که او خون بسته است و ماهی طافی و مارماهی حرام است؛ اجتناب از محارم باید کرد و از قتل نفس بی جهت شرعی و سرقة و شرب خمر و عقوق والدین و فرار از زحف و اکل اموال ایتام بظلم و اکل میته و دم و لحم خنزیر (وَمَا أَهْلٌ لِّغَیْرِ اللَّهِ)^۲، اینها حرام اند و بی ضرورتی که

۱. در نسخه *شرایع الدین* درج شده در ضمن *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، 'نوزده روز' ثبت شده است.

۲. سوره مائده، آیه ۳.

ملجی بود نشاید خوردن اینها و اکل ربا و سُحت نشاید و مکیال و میزان راست باید داشت و کذب محصنات مؤمنات عاقلات و لواطه و گواهی دروغ و یأس و نومیدی از رحمت خدای تعالی و اعانه ظالمان و و یمین غموس و حبس^۱ حقوق و مکر و کبر و اسراف و تبذیر و خیانت و کتمان شهادت و ملامتی که مانع باشند از ذکر خدای، ریا نه دارند از نماز و ضرب اوتار و اصرار بر صغایر، اینها همه حرام است از همه دور باید بود؛ والسلام علی من اتبع الهدی. اینست ختم ترجمه الفاظ متبرکه مرتضوی امام ابن الامام [علی بن موسی الرضی] علیه السلام؛ [بعون الله تعالی و حسن توفیقه و الصلوة علی نبیه و آله الطاهرین، کتبه تراب أقدام الفقراء و المساکین ناصر الکاتب، أحسن الله عواقبه فی سلخ جمیدی الثاني سنة أربع عشر و ثمانمائة]^۲.

۱. در نسخه "نفس" ثبت شده است.

۲. ترقیمه کاتب، از انجامه این مجموعه نفیس (برگ ۵۴۲ ب) افزوده شد.

کتابنامه

۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، به کوشش حسین اعلمی، بیروت، موسسه الاعلمی، جلد دوم، ۱۴۰۴ق.
۲. ایزانلو، رمضانعلی، "گنجینه مخطوطات: پژوهشی پیرامون آثار منسوب به امام رضا علیه السلام"، در ماهنامه پژوهشی *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۳۲ (آبان ۱۳۸۷).
۳. تبریزی، علی بن موسی (ثقة الاسلام)، *مرآت الکتب*، جلد ۶، تحقیق علی صدرايي، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی (ره)، ۱۳۸۹ش.
۴. تهرانی، آقا بزرگ، *الذریعة*، جلد ۲، چاپ دوم، تهران، مکتبه طهوری، ۱۳۹۱ق.
۵. همان، جلد ۱۳، نجف الاشرف، مطبعة القضاء، ۱۳۷۸ق.
۶. همو، *طبقات اعلام الشيعة* (القرن ۱۴هـ)، جلد ۲، چاپ دوم، مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ق.
۷. حرانی (ابن شعبه)، حسن بن علی بن حسین، *تحف العقول*، با تصحیح و ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲ش.
۸. خویی، ابوالقاسم (آیت الله)، *معجم رجال الحديث*، جلد ۱۲، چاپ پنجم (متصح و مزید)، نجف اشرف، ۱۴۱۳ق.
۹. زاماور، *معجم الأنساب و الأسرات الحاكمة فی التاريخ الإسلامی*، جلد ۲، ترجمه زکی محمدحسن بک و دیگران، قاهره، دارالکتب القومية، ۱۴۲۹ق.
۱۰. زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، جلد های ۴ و ۵، چاپ شانزدهم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۲۰۰۵.
۱۱. سبجانی، جعفر، *أضواء علی عقائد الشيعة الإمامية وتاريخهم*، تهران، مشعر، ۱۳۷۹ش.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (شیخ الطائفة)، *أمالی الشیخ الطوسی*، قم، دارالتفاهة، ۱۴۱۴ق.
۱۳. عارف، محمدصادق، *بررسی تألیفات و نگارش های امام رضا علیه السلام*، در *نشریه گلستان قرآن*، ش ۱۹۳ (نیمه آذر ۱۳۸۳).
۱۴. فضل الله، محمدجواد، *تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام*، ترجمه سید محمد صادق عارف، چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۸۵ش.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (علامه)، *بحار الانوار*، جلد ۷۴، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۶. مدرس تبریزی، محمدعلی، *ریحانة الادب*، جلد های ۳، ۴ و ۸، چاپ چهارم، تبریز، خیام، ۱۳۷۴ش.
۱۷. نیشابوری کتتوری، اعجاز حسین، *کشف الحجب و الأستار*، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی (ره)، ۱۴۰۹ق.

I.Rieu, Ch. *Catalogue of Persian manuscripts in British museum*, Vol. II, London, 1881.